

## فهرست

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۱
<b>بخش اول: جامعه‌ای که برای آموزش بسیج شده</b>	
فصل اول: تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن	۲۳
بیماری کمبود	۲۵
ژاپن در خطر	۲۹
ژاپن منحصر به فرد است: پدیده‌ی نیهون‌جین‌رون	۳۰
«شعور زندگی» اخلاقی در ژاپن	۳۳
عقل سالم در بدن سالم است	۳۵
ژاپن به آینده می‌نگرد	۳۵
<b>فصل دوم: انگیزه‌ها و عرف جامعه - مقدمات فرهنگی یادگیری</b>	
مسیر تلاش خالصانه	۳۹
مادر خوب کیست؟	۵۳
آغاز مادری	۵۷
مفاهیم متضاد: تفاوت بین نسل‌ها	۶۲
آیا معنی «مادری» تغییر خواهد کرد؟	۶۶
مادری و رشته‌های پیونددهنده	۶۹
پیش‌رفتن و کارکردن با همدیگر: ارزش‌های گروه و مدرسه	۶۹
مهارت‌هایی که اهمیت دارند	۷۱
رشد یک تصویر متضاد: «سرد» بودن در ژاپن به چه معناست؟	۷۲
اخلاق یادگیری و کار	۷۶
	۷۹

## ۶ ▣ مطالبات آموزشی در ژاپن

۸۳	فصل سوم: مدارس ژاپنی
۸۴	یادگیری و فضیلت اخلاقی
۸۸	ماسا: تراکویی از ژاپن پیش از دوران مدرن
۹۳	گذر به یک نظام ملی
۱۰۰	دوران پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم
۱۰۱	آمریکایی کردن مدارس ژاپنی
۱۰۵	فصل چهارم: مدارس امروزی ژاپنی
۱۱۱	مسئولیت در برابر کودک: خانه و مدرسه
۱۱۵	حاصل کار
۱۱۸	بیشینه کردن موفقیت فردی
۱۲۲	آیا ژاپنی ها خلاق هستند؟
۱۲۹	فصل پنجم: آیا ژاپن بهشت معلمان است؟
۱۳۱	معلم و شغل او
۱۳۳	آموزش معلمان
۱۳۶	روز یک معلم
۱۴۰	مسائل و دورنمای تدریس
۱۴۳	بخش دوم: تجربیات دوران کودکی
۱۴۵	فصل ششم: آموختن بر روی زانوان مادر
۱۴۷	برنامه درسی خانه
۱۴۹	پیوند حرکت آفرین
۱۵۰	آموختن روش
۱۵۲	پیوستن به گروه: استفاده از پیش دبستانی ها
۱۵۹	روز کن ایچی

## فهرست □ ۷

۱۶۷	فصل هفتم: مدارس ابتدایی - هماهنگی و همکاری
۱۶۹	جزئیات و فرایندها
۱۷۲	انرژی و تلاش
۱۷۴	معلم و دانش‌آموزان: انگیزه و مدیریت در کلاس
۱۸۰	آتش و هوا: کلاس علوم
۱۸۳	ارزش تلاش جدی
۱۸۴	درس‌های اجتماعی
۱۸۵	ماهی را در دریا تصور کنید
۱۸۷	خانه و مدرسه
۱۸۸	دو تصویر
۲۰۱	فصل هشتم: مدارس راهنمایی - بحران تعهد
۲۰۳	مسائل ژاپنی‌ها و برخورد آنها
۲۰۹	مقایسه‌ها
۲۱۰	امتحانات
۲۱۷	کلاس و جوکو
۲۲۴	تداوم هماهنگی
۲۲۶	چه کسی بالغ است؟
۲۲۸	آنها در کنار درس خواندن چه می‌کنند؟
۲۳۱	دو دانش‌آموز سال بالایی
۲۳۸	مقایسه نیویا و یوکیو
۲۴۱	بخش سوم: نیازهای ملی و اهداف محلی آموزش در جوامع جدید
۲۴۳	فصل نهم: ژاپن در شرایط گذر، حسرت گذشته و اصلاحات در جامعه پسا صنعتی
۲۴۵	روزهای خوش گذشته
۲۴۷	جستجو برای اهداف زندگی
۲۴۹	نقش وزارت آموزش و پرورش و اصلاحات آن
۲۵۱	کمیته نخست وزیر
۲۵۸	تغییر خانواده

## ۸ ▣ مطالبات آموزشی در ژاپن

۲۵۹	.....	معلمان چه می‌گویند؟
۲۶۰	.....	والدین خواهان تغییرند
۲۶۳	.....	<b>فصل دهم: انتخابی برای کودکان</b>
۲۶۸	.....	قابلیت ثابت یا امکانات نامحدود
۲۶۹	.....	همکاری و هویت فردی
۲۷۳	.....	انتخابی برای کودکان
۲۸۱	.....	<b>منابع</b>

## فصل اول

### تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن

در ژاپن مراقبت از بچه‌ها تنها یک دل‌مشغولی داخلی و خانوادگی نیست. در واقع همه‌ی ملت برای پشتیبانی و آموزش بچه‌ها بسیج شده‌اند. این دغدغه ملی راجع به بچه‌هایی که زندگی و آرزوهای آنها با استانداردهای مورد قبول ما مطابقت دارد، برای والدین و مربیان غربی که به برنامه‌های تربیتی خود افتخار می‌کنند قابل توجه است. در واقع ما باید به دل‌مشغولی ملی ژاپنی‌ها راجع به پیشرفت کودکان غبطه بخوریم.

چه عاملی باعث افزایش فرصت‌های زندگی برای این کودکان می‌شود؟ چگونه این تعهد و التزام جدی نسبت به بچه‌ها، تصور این ملت از گذشته، حال و آینده‌اش را بیان می‌کند؟

#### بیماری کمبود

ژاپنی‌ها برای توصیف جامعه‌شان چندین عبارت رایج دارند که شاخص‌ترین آنها عبارتند از: «ژاپن، یک کشور باریک جزیره‌ای»، «کشوری با منابع طبیعی اندک»، «آسیب‌پذیر در برابر دشمنان، زمین‌لرزه‌ها و آتش‌سوزی‌ها». این تأکید هوشیارانه بر آسیب‌پذیری ژاپن که با چنین توضیحاتی همراه شده، در سال‌های اخیر با انتقاداتی از طرف خارجی‌ها مواجه شده است و مسئولان

بازرگانی و سازمان‌های بین‌المللی امدادسانی از بازرگانان و دولت ژاپن خواسته‌اند که مسئولیت بیشتری در برابر اقتصاد جهان و کشورهای در حال رشد بپذیرند. تجارت ژاپن - که اکنون دیگر ناچیز شمرده نمی‌شود - باید با اطمینان بیشتری در برابر دنیا واکنش نشان دهد و نخست وزیر ژاپن کمتر احساس شرمندگی کند. با این حال ضرورتی که ژاپنی‌ها را در مسیر «تلاش خالصانه» پیش می‌برد هنوز بر مبنای احساس کمبود نامعلومی است و این احساس از پیشینه تاریخی که ژاپن حقیقتاً از کمبود رنج می‌برده نیز فراتر رفته است. در میان ژاپنی‌ها این باور که آنها لبه پرتگاه زندگی می‌کنند، نیروی فرهنگی پیش برنده‌ای است که نه تنها روند صنعتی و مذاکرات بین‌المللی آنها را شکل می‌دهد بلکه در هسته مدیریت خانواده و روابط والدین و فرزندان جای می‌گیرد.

محقق ژاپنی سومیکو ایوا<sup>۱</sup> هنگامی که تدابیر زنان برای خانواده و مدیریت دخل و خرج را تحلیل می‌کند، جنبه تاریخی «بیماری کمبود» را نشان می‌دهد. یک قرن پیش در زمان اصلاحات امپراطور میجی<sup>۲</sup>، ۸۰ درصد از جمعیت ژاپن در مزارع کار می‌کردند. فعالیت‌های کشاورزی و تولید به سبب کوهستانی بودن اغلب زمین‌ها، ناگزیر در زمین‌های قابل کشت محدودی انجام می‌شد. بنابراین در مناطق قابل کشت ساحلی جمعیت زیادی از کشاورزانی زندگی می‌کردند که باید بر روی مزارع کوچکی کار می‌کردند و از هر وجب خاک قابل استفاده، حداکثر بهره‌برداری را می‌کردند. علاوه بر این از آنجایی که آب و هوای ژاپن دستخوش طوفان‌های مخرب و آندوه‌بار، سیلاب در فصول بارانی، و تغییرات دمایی نابهنگام و غیرقابل پیش‌بینی است، نمی‌توان به محصولات کشاورزی چندان اطمینانی داشت. در مجموع کشاورزان سنتی ژاپن باید اقدامات دشواری را در شرایط ناپایدار انجام

1. Sumiko Iwao

2. Meiji

## فصل اول: تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن □ ۲۷

می‌دادند و موفقیت آنها نیاز به سخت‌کوشی داشت تا بتوانند بر کمبودهای مصیبت باری که در دوران سختی پیش می‌آمد غلبه کنند.

احساس نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، با اصلاحات دائمی در تدابیر زندگی و سازگار نمودن تدابیر جدید با سخت‌کوشی همراه شده و این چارچوب فکری تاکنون نیز باقی مانده است. یکی از تدابیری که آیوآ به عنوان یک پدیده ویژه در میان زنان بیان می‌کند چشم‌پوشی از خود، انکار سختی‌ها و فداکاری است. این نوع خدمت کردن، خودآزاری نیست بلکه منافع بلند مدتی برای زنان و خانواده‌شان دارد.

قناعت (و نشان دادن آن به دیگران) در همه جای دنیا برای زنان یک فضیلت به حساب می‌آید. اما زنان ژاپنی با داشتن این خصلت به شکل یک استعداد فرهنگی، نوعی احساس گناه در دیگران ایجاد می‌کنند.

زنان با استفاده از توانایی‌های فداکاری و مدیریتی در نقش عوامل اصلی تقسیم منابع در خانواده عمل کرده‌اند. به گفته آیوآ «خلافت و ابتکار زنان در کنترل و مصرف درست منابع خانواده به آنان چنان احساسی از مسئولیت‌پذیری، آزادی و ابراز عقیده داده است که با توجه به شرایط آنها بی‌نظیر است».

حسن استفاده از فرصت‌ها، مهارت اساسی در پیشرفت ژاپنی‌ها است. انتخاب‌های فرهنگی انجام شده در جامعه ژاپن که به مردم این فرصت را داده بود تا در کمبودها خیر و منفعت را جستجو کنند به این معنی بود که ژاپنی‌ها باید کاری فراتر از غلبه بر محرومیت انجام دهند. مادران ژاپنی همانند رهبران ملی‌شان به نوعی خودآگاهی رسیده بودند که «کمبود» خطرآفرین است و آمادگی آنها همواره باید حفظ شود تا مبادا جبرگرایی ناتوان‌کننده به جای انرژی‌های ایجاد شده از «احساس نابودی قریب‌الوقوع» بنشیند.

در چنین شرایطی کودکان نیز همانند منابع کمیاب و نادری دیده می‌شدند، چرا که میزان مرگ و میر نوزادان بسیار بالا بود. در ضمن چون کودکان حافظ نسل خانواده و آسایش خاطر والدین در سنین پیری بودند، بسیار ارزشمند به حساب می‌آمدند. آنها نیروی کار خانواده محسوب

می‌شدند و از سن ۱۲ سالگی قادر به مشارکت در امور کشاورزی و خانگی بودند. شاید در نهایت نیز با خوب درس خواندن در مدرسه باعث بهبود وضعیت و منزلت خانواده در جامعه می‌شدند.

آموزش یک منبع کمیاب محسوب می‌شد چون در دسترس همگان نبود و اغلب کودکان متعلق به خانواده‌های کشاورز فقط چند سال به مدرسه می‌رفتند. نیازهای مزرعه بر آموزش اولویت داشت و در فصول خاصی از سال تعداد اندکی از کودکان در مدارس روستایی حاضر می‌شدند. همانند کشور چین که منشأ فرهنگی بسیاری از آموزش‌های قدیمی ژاپن است یادگیری اعتبار شغلی ایجاد نمی‌کرد چرا که کار همراه با زمین به ارث می‌رسید و تحرک بین طبقاتی بسیار اندک بود. با این وجود آموختن و مزایای اخلاقی که نشانه‌ی آن بود کار سختی بود و ارزش والایی داشت.

امروزه اعتبار دانشگاهی برای تأمین آینده‌ی شغلی تا حد زیادی جایگزین مزایای اخلاقی آموزش شده است. هرچند هنوز هم دستاوردهای تحصیلی تأییدی بر فضائل دانش‌آموز و خانواده حامی او به حساب می‌آید. اکنون این فضیلت مبتنی بر عقاید کنفوسیوس که عقایدش یک منبع اجتماعی مهم است در دسترس همگان قرار دارد؛ اما راه رسیدن به آن دشوار است. در واقع هر چیزی که در ژاپن به آسانی به دست بیاید، فضیلت محسوب نمی‌شود. چنانچه خواهیم دید یک نتیجه مهم از تجربه آموزشی کودکان، ایجاد توانایی در متعهد ساختن آنها به تلاش جدی برای انجام یک کار است و وقف کردن خود برای انجام یک کار دشوار، نشانه‌ی فضیلت به شمار می‌رود.

بر این اساس، سرمایه‌گذاری جدی والدین بر روی فرزندان خیلی زود آغاز می‌شود و در طول سال‌های دبیرستان ادامه می‌یابد. مادران از دوران بارداری به شدت نسبت به فرزندان خود متعهد می‌شوند و وظیفه اصلی خود را در زندگی، پرورش فرزندان موفق می‌دانند. آنها همواره در جستجوی راه‌های ابتکاری برای افزایش فرصت‌های زندگی فرزندان خود هستند. به



عنوان مثال در ریور دیل<sup>۱</sup> نیویورک، که جمعیت قابل توجهی از ژاپنی‌ها زندگی می‌کنند؛ مدیران مدارس متوجه شدند که خانواده‌های ژاپنی برای هر فرزند خود دو سری کتاب درسی می‌خرند. آنها به زودی دریافتند که یک سری از کتاب‌ها برای مادران است که یک یا دو درس را جلوتر از بچه‌ها مطالعه می‌کنند تا بتوانند در انجام تکالیف بچه‌ها به آنها کمک کنند. نتیجه آن بود که کودکان ژاپنی که در ماه سپتامبر بدون دانستن انگلیسی یا با دانستن کمی انگلیسی وارد مدرسه می‌شدند اغلب در ماه ژوئن در تمام درس‌ها جزء برترین‌های کلاس بودند.

### ژاپن در خطر

ژاپنی‌ها خود را در معرض خطر کمبودها و نیز بلایای طبیعی می‌بینند و «روز محشر» برای شان نماد فرهنگی رایجی است. داستان یکی از رمان‌های پرفروشی که اخیراً با نام Nihon Chinbotsu (غرق شدن ژاپن) منتشر شده است بر پایه‌ی «روز محشر» نوشته شده است. با بروز زمین لرزه و امواج سهمگین محدوده اصلی مجمع‌الجزایر ژاپن به تدریج وارد آب می‌شود، مردم که در حال از دست دادن سرزمین مادری خود هستند از سوی دولت تشویق به مهاجرت دسته جمعی (به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده) می‌شوند. برخی به اختیار (یا به ناچار) با کشتی مهاجرت می‌کنند اما اغلب آنها خود را در جدال با پیچیدگی‌های اجتماعی و مسائل مرتبط با فناوری می‌بینند. این رمان که با اشاره به یک فاجعه نوشته شده است دیدگاه ژاپنی‌ها را درباره شکنندگی هویت ملی شان بازگو می‌کند.

این شکنندگی اغلب به صورت فاجعه یا کمبود بیان می‌شود یا مورد استناد قرار می‌گیرد. خلوص نژادی - هرچند صراحتاً مورد تأکید قرار نمی‌گیرد - همانند یک دستی فرهنگی نکته مهمی است. کره‌ای‌ها و

---

1. Riverdale

بوراکومین‌ها<sup>۱</sup> که گروه طرد شده‌ای هستند، به اقامت در یک محله خاص مجبور می‌شوند، گرچه از نظر نژادی تشخیص آنها از «ژاپنی‌های اصیل» دشوار است. افرادی که به مدت طولانی خارج از ژاپن زندگی کرده‌اند به شدت مورد سوءظن قرار می‌گیرند و هنگام برگشت به کشور باید حقانیت خود را از نظر ژاپنی بودن ثابت کنند و این کار را بعضی وقت‌ها با اغراق در سخت‌کوشی، ابراز عقاید و رعایت ظرایف رفتاری و ارتباطی انجام دهند. در عین حال خارجی‌ها، که مرتباً بررسی و انگشت‌نگاری می‌شوند، در کسب حق شهروندی ژاپن مشکلات زیادی دارند.

حاشیه‌نشینی در ژاپن آسان به دست می‌آید و دشوار از میان می‌رود و این خطری است که عامل بازدارنده قدرتمندی برای هر نوع «متفاوت بودن» است. افرادی که چنین برچسبی دریافت می‌کنند نمی‌خواهند که فرزندان‌شان از این بدنامی رنج ببرند. در حالی که روشنفکران و منتقدین به دنبال راه‌هایی برای ارتقاء اجتماعی هستند تا فرزندان استقلال بیشتری پیدا کنند، بزرگسالان ژاپنی سعی می‌کنند خطرات متفاوت بودن را تا سرحد امکان کاهش دهند. این بدان معنی است که در ژاپن، آموزش نیرویی برای کاهش تنوع فرهنگی است و این امر محصول مراقبت از هم‌نواایی مشخصی است که جامعه ژاپن به آن تکیه می‌کند.

### ژاپن منحصربه‌فرد است: پدیده‌ی نیهون جین‌رون<sup>۲</sup>

گرچه ژاپنی‌ها تمایل به هم‌نواایی دارند، اما این ملت خود را مجموعه‌ای کاملاً منحصربه‌فرد می‌داند؛ یعنی عقیده دارد که هیچ جای دیگری در دنیا شبیه ژاپن نیست. بنابراین ما نوعی «فردگرایی ملی» داریم. اصرار بر یک ژاپن ویژه و مجزا، ریشه‌های فرهنگی و تاریخی عمیقی دارد که همانند بیشتر افسانه‌های مربوط به هویت ملی با یک آفرینش اسطوره‌ای آغاز می‌شود.

1. Burakumin

2. Nihonjinron

## فصل اول: تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن □ ۳۱

داستان ژاپن چنین آغاز می‌شود: ایزانامی<sup>۱</sup> و ایزاناگی<sup>۲</sup>، که خواهر و برادری از جنس خدایان بودند، همراه با خدایان دیگر به جزایر ژاپن حیات بخشیدند. نی‌نی‌گی<sup>۳</sup> نواده‌ی آماتراسو<sup>۴</sup> که یکی از این خدایان بود با سه نشانه شاهانه که نمادهای قدرت و مشروعیت بودند به این جزایر فرود آمد و نوادگان نی‌نی‌گی نخستین حکمرانان این جزایر شدند.

داستان جزایر آسمانی فرود آمده بر دریا، یا اسطوره آفرینش ژاپن، همانند اساطیر دیگری است که اقامت افراد در یک نقطه‌ی دنیا را نتیجه دخالت خدایان و وابسته به طبیعت آنان می‌دانند. برخی محل‌های افسانه‌ای، مانند کوه‌های المپوس<sup>۵</sup> در یونان، محل سکونت و تفریح خدایان و انسان‌های برتر بوده است. محل‌های دیگری نظیر بهشت یهودیان - مسیحیان، صحنه خلایق خدایان و ارزیابی اخلاق آفریده‌های خدایان است. مناطق دیگری، نظیر مکان‌های مقدس هند، هنگام ستیز خدایان با افتادن یک سرنیزه یا بخش‌هایی قطع شده از بدن آنها بر زمین به صورت تصادفی تقدیس شده‌اند. کشور ژاپن سرزمینی از سلاله جاودان فرمانروایان آسمانی یا نوادگان نی‌نی‌گی است که تا عصر حاضر پابرجا مانده است. بنابراین یکی از ارکان این احساس منحصر به فرد بودن، پایدار ماندن این اسطوره‌های تاریخی در ژاپن است که به عنوان ابزار و هدف برای کل جامعه محترم نگه داشته شده است. احساس منحصر به فرد بودن ژاپنی‌ها، یعنی این حقیقت که «یک نفر نمی‌تواند ژاپنی شود» (ژاپن به وسیله خدایان مهاجر به وجود نیامده است) بخشی از بررسی‌های دقیقی است که در ژاپن با عنوان «نیهون‌جین‌رون» یا «ژاپنی بودن چه معنایی دارد» انجام می‌شود. در سال ۱۹۸۵ پژوهش درباره‌ی این موضوع در قالب یک مرکز ژاپن‌شناسی در کیوتو نهادینه شد که در آنجا دانشجویان، مفسران و شخصیت‌های فرهنگی (بونکاجین<sup>۶</sup>) می‌توانند در

---

1. Izanami

2. Izanagi

3. Ninigi

4. Amaterasu

5. Olympus

6. Bunkojin

مورد شخصیت ژاپنی و جایگاه آن در دنیای مدرن به تحقیق و بررسی پردازند. «نیهون جین رون» از طریق جلب توجه دانشگاهیان و رسانه‌ها به چند صد سال تاریخ ژاپن، در واقع تلاشی برای تعریف فرهنگ ژاپنی در برابر رویارویی تهدیدکننده با جوامع دیگر می‌باشد؛ این کار تلاشی آگاهانه است برای اینکه «بدانیم که هستیم» و اینکه بنا نیست با نفوذ غرب از بین برویم. در دوران پادشاهی میجی<sup>۱</sup> «نیهون جین رون» روحیه لازم برای مسائل امنیت ملی را ایجاد کرد. هرچند هنوز هم احساس منحصربه‌فرد بودن ژاپنی به صورت درونی وجود دارد اما اکنون این روحیه اندکی کاهش یافته است و گاهی اوقات فقط به صورت نمایش خودستایی به نظر می‌رسد. با وجود این هیده‌توشی کاتو<sup>۲</sup> خاطرنشان می‌سازد که «در ایجاد نیهون جین رون تمایل به تأکید بر این مسئله است که ژاپنی‌ها منحصربه‌فردند.»

آموزش در ژاپن حفظ هویت ویژه‌ای را بیان می‌کند. در دوران پادشاهی میجی آموزش آنقدر گسترش یافت که هویت فرهنگی ژاپن را نهادینه و پایدار کند. بنابراین محوریت تاریخ و فرهنگ ژاپن در برنامه درسی باید به آغاز ملی‌گرایی جدید ربط داده شود. نکته سنجی در برنامه درسی دوران میجی و تای شو<sup>۳</sup> (۱۹۲۶-۱۹۱۲) نشان می‌دهد که رشد و پایداری هویت ملی برای پیش‌گیری از تسلط فرهنگی غرب بوده است و نه برای ایجاد ستیزه‌جویی فزاینده‌ی ملی.

به نظر می‌رسد برنامه درسی جدید، تجربه منحصربه‌فردی برای کودکان ژاپنی ایجاد کرده است که امکان تقلید از آن یا جایگزین کردن برنامه‌های دیگر با آن برای هیچ‌کس جای دیگری از دنیا وجود ندارد. یک کودک ژاپنی که در خارج از آن کشور زندگی کرده هنگام بازگشت به کشور در می‌یابد که آنچه در این مدت یاد نگرفته است فقط ریاضی، زبان ژاپنی، مطالعات اجتماعی، و علوم پایه کمتر نیست بلکه مجموعه‌ای از رفتارها، توانمندی‌ها و آداب

1. Mieji

2. Hidetoshi Kato

3. Taisho

اجتماعی است که یکی از معلمان ژاپنی آن را «شعور زندگی ژاپنی» نامید و بدون آن شایستگی و هویت کودک عمیقاً صدمه می‌بیند. این «شعور زندگی» یک مفهوم اخلاقی است و علاوه بر راه‌های برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران شامل یک «شعور زندگی جسمی» نیز هست که در مدرسه آموخته شده است.

### «شعور زندگی» اخلاقی در ژاپن

«شعور زندگی» ژاپنی که همراه با تاریخ و فرهنگ ژاپنی آموزش داده می‌شود، شاهدهی است بر آن چه که «آموزش اخلاق» نام دارد. در شکل فعلی این آموزش، کودک رفتار و روابط داخل خانواده و جامعه را می‌آموزد. در سال ۱۹۸۳ در تعریف رسمی از آموزش‌های دبستان چنین بیان می‌شود:

«آموزش اخلاق با هدف تحقق احساس احترام به منزلت انسان در متن زندگی خانوادگی، مدرسه و جامعه؛ تلاش برای ایجاد فرهنگ غنی فردی؛ ایجاد یک جامعه و کشور دمکراتیک؛ آموزش ژاپنی‌ها به منظور تواناسازی جهت مشارکت در جامعه مسالمت‌آمیز جهانی و تهذیب اخلاق به عنوان بنیان جامعه انجام می‌شود.»

از این رو تمایزی که جوامع غربی بین اخلاق فردی و اجتماعی قائل می‌شوند به ندرت در ژاپن دیده می‌شود یعنی یک بحران اخلاقی تقریباً همیشه مشکل بین فرد و اجتماع در نظر گرفته می‌شود، نه یک مشکل فردی که با آن با ذهنیت آمرانه و ناهیهانه برخورد کرد.

در میان اهداف سرفصل‌های آموزشی مواردی هستند که مورد توجه غربی‌ها قرار می‌گیرد، مانند «احترام به آزادی دیگران» و «عمل کردن براساس اعتقادات شخصی» و مواردی که کاملاً ژاپنی هستند مانند سرفصل‌هایی از این قبیل «مطلوب است که فرد در دوره‌های تحصیلی ابتدایی سخت‌کوشی را بیاموزد و در دوره‌های تحصیلی میانی با صبر و

متانت کار را تا انتها به پیش ببرد و در دوره‌های بالاتر با شجاعت، شکست‌ها و موانع را کنار بزند و به مقصود خود برسد.» علاوه بر آن در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر فرد باید بیاموزد که به نظرات دیگران گوش دهد و با صراحت، شکست‌ها یا اشتباهات خود را بپذیرد، و متواضعانه رفتار کند و در دوره‌های تحصیلی میانی یاد بگیرد که متعادل زندگی کند و در دوره‌های بالاتر بیاموزد که به حرف‌ها و رفتار دیگران اهمیت دهد، با ملاحظه کار کند و زندگی منظمی داشته باشد.» خیرخواهی، جدیت، و از خودگذشتگی باید با نشاط و حساسیت نسبت به دیگران و با چنین مضمونی همراه شود: «عشق به زادگاه و محافظت از میهن، فرهنگ و سنت‌های سرزمین مادری، و... آگاهی از مسئولیت خود به عنوان یک ژاپنی»

این آرمان‌های پر زرق و برق از راه داستان‌ها و مثال‌های واقعی که معمولاً مواردی از بحران‌های اجتماعی را نشان می‌دهند تثبیت می‌گردند. روابط انسانی و وابستگی‌های متقابل، محور اصلی این قصه‌هاست. تقابل و فساداری‌ها، نمونه‌هایی از وسوسه ارتکاب رفتار ناشایست، و داستان کشمکش‌های خانوادگی به شکل مسائل قابل تأمل به کودکان داده می‌شود. سپس با انجام بحث‌های آزاد راه حل یا تحلیل مسئله با مشارکت همه کلاس طرح می‌شود. مانند بقیه موارد، راه حل یافته شده در صورتی ارزشمند است که توسط خود کلاس ارائه شده باشد و به اتفاق آرا مورد تأیید باشد.

به عبارت دیگر برنامه‌ی واقعی کلاس‌های اخلاق فقط در محتوای متن درسی نیست بلکه ابزار دستیابی کلاس به فهم این متن را نیز در بر می‌گیرد. این فرایند، که کند و دشوار است، نماواشی<sup>۱</sup> یا «خالی کردن اطراف ریشه‌ها» نامیده می‌شود. همان‌طور که بیرون کشیدن کنده‌ی درخت بدون توجه به وضعیت همه ریشه‌هایش امکان‌پذیر نیست، نمی‌توان یک نظر یا راه حل را بدون جلب رضایت تک تک افراد به یک گروه تحمیل کرد؛ چرا که حتی یک

## فصل اول: تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن □ ۳۵

ریشه‌ی آزاد نشده می‌تواند مانع از بیرون آمدن کننده شود. نماواشی بهتر از هر مثالی فنون آموزشی و تشریفات اجتماعی ژاپن را بیان می‌کند. توافق و هماهنگی، بر روی یگانگی هدف، ارزش زیادی دارد. این توافق که در بطن اخلاق ژاپن نهفته است، محور اصلی برنامه‌ی آموزش ژاپن را تشکیل می‌دهد. این توافق همراه با دیگر ارزش‌های فرهنگی همان چیزی است که در مدارس ژاپنی آموزش داده می‌شود و همان چیزی است که ویژگی منحصر به فرد بودن ژاپنی‌ها محسوب می‌شود.

### عقل سالم در بدن سالم است

مدارس و والدین ژاپنی توجه خاصی به رشد فیزیکی کودکان دارند، که در تلفیق با سایر موارد آموزشی، فراتر از برنامه آموزشی مدارس غربی است. در ژاپن بچه خوبی بودن به معنای قوی بودن است و ابزار ایجاد چنین قدرتی، خودآزمایی دائمی و اعمال فشار هرچه بیشتر به خود و تمرینات صبحگاهی مدرسه است.

تربیت بدنی شامل تمرینات صبحگاهی است که هم زمان توسط همه کلاس‌ها اجرا می‌شود و نیز کلاس‌های تخصصی‌تر ژیمناستیک، شنا (بسیاری از مدارس استخر خودشان را دارند) و ورزش‌های تیمی است. آگاهی کودکان از شیوه صحیح تمرینات گروهی حائز اهمیت است. کودکانی که از مدارس غیرژاپنی می‌آیند به دلیل ناآگاهی از نحوه انجام صحیح تمرین‌ها احساس شرمساری می‌کنند و آموزگاران و والدین خیلی سریع به آنها کمک می‌کنند تا اوضاع سر و سامان بیابد. این تمرینات که کاملاً جدی آغاز می‌شود شیوه‌ای برای ایجاد یک چارچوب ذهنی مثبت و پرانرژی و تخلیه انرژی‌های مازاد بچه‌ها است. این تمرین‌ها معمولاً برای قهرمان پروری انجام نمی‌شوند، (ورزشکاران حرفه‌ای در مدارس ژاپنی اندکند) بلکه برای یادگرفتن آن است که چطور باید پیش رفت و با دیگران متحد شد.

### ژاپن به آینده می‌نگرد

احساس پیوستگی به خدایان و امپراتوران گذشته، با شیفتگی ژاپنی‌ها به برنامه‌ریزی برای آینده تضادی ندارد. «آینده‌شناسی» نام یک بازی ژاپنی است که در سایه‌ی کمبود منابع و حس خطرپذیری و وابستگی، برنامه‌ریزان ژاپنی این بازی را با جدیت و سرسختی پیش می‌برند. از نظر آنها منابع اولیه و قابل اتکاء در ژاپن که همان مردم تحصیل‌کرده و سخت‌کوش آن است، موضوع اصلی اغلب برنامه‌ریزی‌های جدی است و کودکان به دلیل آنکه آینده‌سازان جامعه هستند از اولویت بالایی در این برنامه‌ها برخوردار می‌شوند.

علاوه بر این توافق آرای عمومی، تعداد فرزندان هر خانواده را به میانگین کمتر از ۲ فرزند محدود کرده است و این امر موجب جلب توجه به آینده این نسل ارزشمند شده است. البته والدین اغلب درباره فرزندان خود احساس نگرانی می‌کنند، اما جامعه در ابعاد وسیع‌تری ارتباط شفاف بین دنیای آموزشی ژاپنی‌ها و دنیای اشتغال آنها را درک می‌کند. از این رو مدرسه باید فرصت‌ها را به صورت مساوی در اختیار افراد قرار دهد و افراد را بسته به توانایی‌هایشان انتخاب کند. این اصل شایسته‌سالاری مجدداً این اطمینان را ایجاد می‌کند که والدین، معلمان و جامعه با دقت به رشد هر کودک توجه کنند تا شایستگی او را برای شرکت در مسابقه امتیازات اجتماعی به حداکثر برسانند. در ژاپن سمت و مقام به ارث نمی‌رسد و دست کم فرض بر این است که مسیر تضمین شده و تعیین شده‌ای برای موفقیت شخص وجود ندارد یعنی همانند ایالات متحده آمریکا نظام شایسته‌سالاری و شوق درونی فرد همگام با هم پیش می‌روند.

با وجود اینکه والدین و آموزگاران ژاپنی به شدت تحت فشار هستند، از کودکان در برابر این فشار محافظت می‌کنند. از توانایی، شخصیت و هویت آنان، تا بیشترین حد ممکن، در برابر نگرانی نسبت به آینده محافظت



## فصل اول: تدارکات پشت‌صحنه‌ی آموزش متمرکز در ژاپن □ ۳۷

می‌شود. به کودک دائماً اطمینان داده می‌شود که اگر او پشتکار و صمیمیت داشته باشد و شاداب باشد شرایط آینده مطلوب خواهد بود و این توصیه‌ها همگی درس‌های اخلاق او هستند. نتیجه چنین تعالیمی آن است که در ژاپن موفقیت نهایی یک فرد به توانایی‌های ذاتی او بستگی ندارد بلکه در ویژگی‌های پسندیده‌ای است که «می‌تواند» کسب کند. بنابراین توانایی بالقوه افراد در ژاپن مساوی تلقی می‌شود که هر کسی آن را دارد، اما برخی افراد برای افزایش این توانایی سخت‌تر از دیگران کار می‌کنند. در ایالات متحده این توانایی به صورت ظرفیت محدودی فرض می‌شود که برای هر شخصی متفاوت است و در نهایت نمی‌توان از آن فراتر رفت، شما فقط می‌توانید «کاری که از دست‌تان بر می‌آید انجام دهید». فردگرایی ما تصویری از یک ظرفیت معین و نهایتاً محدود را بیان می‌کند، «توانایی بالقوه» از نظر ژاپنی‌ها در دسترس همگان است هرچند ممکن است حتی با تمام توان خود، نتوان این توانایی را کاملاً به فعلیت رساند. چگونگی به حداکثر رساندن توانایی‌های بالقوه کودکان ژاپنی، مسئولیت جامعه است نه خود فرد. در چهل سال گذشته ابزار بهره‌برداری از زندگی به شدت با نظام آموزشی پیوند خورده است و به نظر می‌آید اینکه کودکان چه قدر کار خود را در مدرسه خوب انجام می‌دهند، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی جایگاه ژاپن در آینده باشد.